

نظریه‌ها و نقدهای
ادبی - هنری

۱۵

جستارهایی در باب اسطوره

مسعود آل‌گونه جونیانی





سرشناسه	: آگونه جونقانی، مسعود، ۱۳۵۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: جستارهایی در باب اسطوره / مسعود آگونه جونقانی.
مشخصات نشر	: تهران: نشر سخن، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۳۵۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۲۶۰-۰۳۸-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه : ص. [۳۲۱] - ۳۵۳.
موضوع	: اسطوره‌شناسی - تاریخ و نقد
موضوع	: Mythology - History and criticism
رده‌بندی کنگره	: BL۳۱۳
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۱/۱۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۵۲۱۸۲۱

جستارهایی در باب اسطوره

جستارهایی در باب اسطوره

مسعود آلکونه جوندقانی

عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان



انتشارات سخن



انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه،

خیابان وحید نظری، شماره ۴۸

فکس: ۶۶۴۰۵۰۶۲

www.sokhanpub.net

E.mail: Sokhanpub@yahoo.com

[Instagram.com/sokhanpublication](https://www.instagram.com/sokhanpublication)

[Instagram.com/sokhan.novel](https://www.instagram.com/sokhan.novel)

[Telegram.me/sokhanpub](https://t.me/sokhanpub)

جستارهایی در باب اسطوره

نویسنده: مسعود آلگونه جوقنایی

ویراستار و صفحه‌آرا: نعیمه درویشی

چاپ اول: ۱۳۹۹

لیتوگرافی: صدف

چاپ: سامان

تیراژ: ۲۲۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۶۰-۰۳۸-۹

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها

۶۶۹۵۳۸۰۵ و ۶۶۹۵۳۸۰۴

فروش آنلاین و پشتیبانی سایت: ۶۶۹۵۲۹۹۶

به طنینِ پرهیبتِ پرهیبی
که سالِ هاست نهیب می‌زندم:
برخیز!

فهرست

پیش گفتار.....	۱۵
جستار اول - مرور انتقادی دیدگاه اسطوره‌شناختی لوی-استروس..	۲۱
نگاه اجمالی	۲۳
۱- درآمد سخن.....	۲۵
۲- چارچوب نظری اندیشه لوی-استروس.....	۲۹
۱-۲- قطبی‌شدگی و نحوه سازمان‌دهی مولفه‌ها.....	۳۱
۲-۲- نحوه شناسایی مؤلفه‌ها و طبقه‌بندی آن‌ها.....	۳۴
۱-۲-۲- ویژگی‌های مقولات بنیادین.....	۴۲
۲-۳- بریکولاژ و منطق اسطوره‌ای.....	۵۲
۳- فرجام سخن.....	۵۶
مطالعه بیشتر.....	۵۷
جستار دوم - تحلیل انتقادی آرای الیاده در باب اسطوره.....	۶۱
نگاه اجمالی	۶۳
۱- درآمد سخن.....	۶۵
۲- تحلیل انتقادی آرای الیاده در باب اسطوره.....	۶۷
۱-۲- امر قدسی: برساخته‌ای اجتماعی یا برآمده از سرشت بنیادین بشر؟.....	۶۷
۱-۲-۱- نقد دیدگاه الیاده در باب امر قدسی.....	۷۰
۱-۲-۲- امر قدسی: تفکر نمادین و هرمنوتیک.....	۷۳

- ۷۶-۲-۲- اسطوره، نگرش ضدتاریخی و آیین.....
- ۷۸-۳- نقد روش‌شناسی الیاده.....
- ۷۹-۳-۱- خلط تفکیک وجودی و معرفتی.....
- ۸۲-۳-۲- التزام الیاده به تعهدات روش‌شناختی!.....
- ۸۴-۴- فرجام سخن.....
- ۸۴- مطالعه بیشتر.....
- ۸۷- جستار سوم- دان اسپربر و تحلیل ساختار گزاره‌های نمادین.....
- ۸۹- نگاهی اجمالی.....
- ۹۱-۱- در آمد سخن.....
- ۹۳-۲- واکاوی مبانی اندیشگانی اسپربر در باب نماد.....
- ۹۵-۱-۲- موضع اسپربر در برابر جریان‌های فکری غالب در باب نماد..
- ۹۶-۳-۱-۱- نقد «امر نمادین به مثابه امر ذهنی فاقد عقلانیت».....
- ۹۹-۳-۱-۲- نقد «امر نمادین به مثابه امر نشانه‌شناختی».....
- ۱۰۷-۱-۲- سازوکار گزاره‌های نمادین از دیدگاه اسپربر.....
- ۱۰۹-۲-۱-۲- هم‌سانی‌ها و دگرسانی‌های دیدگاه اسپربر و پوزیتیویسم منطقی.....
- ۱۱۳-۳-۱-۲- تناقض بنیادی و صدق و کذب گزاره‌های نمادین.....
- ۱۱۵-۳- نقد و نظر.....
- ۱۱۷-۴- فرجام سخن.....
- ۱۱۸- مطالعه بیشتر.....
- ۱۲۱- جستار چهارم- تحلیل معرفت‌شناختی نظام سه‌گانی ژرژ دو مزیل.....
- ۱۲۳- نگاهی اجمالی.....
- ۱۲۴-۱- در آمد سخن.....
- ۱۲۷-۲- ایدئولوژی سه‌گانی در خویشکار ایزدان.....
- ۱۳۳-۳- ایدئولوژی سه‌گانی در شواهد تاریخی.....
- ۱۳۵-۴- ایدئولوژی سه‌گانی در شواهد آیینی.....
- ۱۳۷-۵- ایدئولوژی سه‌گانی در شواهد پراکنده دیگر.....
- ۱۳۸-۶- فرجام سخن.....
- ۱۴۳- جستار پنجم- مرور انتقادی نظریه اسطوره‌شناختی رنه ژرار.....
- ۱۴۵- نگاهی اجمالی.....

- ۱- درآمد سخن ۱۴۷
- ۲- مبانی نظریه اسطوره‌شناختی رنه ژرار ۱۵۱
- ۱-۲- نظریه میل محاکاتی ۱۵۲
- ۲-۲- میل محاکاتی و بحران رقابت ۱۵۴
- ۲-۳- بحران و ضرورت انتخاب بلاگردان ۱۵۸
- ۲-۴- سازوکار درونی فراشد بلاگردان ۱۶۳
- ۲-۵- بازنمایی نمادین و پیدایش آیین ۱۶۶
- ۲-۶- از آیین تا اسطوره ۱۶۹
- ۳- نقد و نظر ۱۷۳
- ۴- فرجام سخن ۱۷۷
- مطالعه بیشتر ۱۷۸
- جستار ششم - نور تروپ فرای و رده‌بندی سمبول‌ها ۱۸۱
- نگاهی اجمالی ۱۸۳
- ۱- درآمد سخن ۱۸۵
- ۲- رده‌بندی سمبول‌ها ۱۸۷
- ۱-۲- واحد ساختاری در مرحله وصفی و مرحله لفظی ۱۹۰
- ۲-۲- واحد ساختاری در مرحله صوری ۱۹۹
- ۲-۳- واحد ساختاری در مرحله اسطوره‌ای ۲۰۵
- ۲-۴- واحد ساختاری در مرحله آناگورثیکی ۲۰۹
- ۳- فرجام سخن ۲۱۵
- مطالعه بیشتر ۲۱۷
- جستار هفتم - دایانویای اسطوره چیست؟ پژوهشی در ساحت منقول ۲۲۱
- نظریه اسطوره‌شناختی نور تروپ فرای ۲۲۱
- نگاهی اجمالی ۲۲۳
- ۱- درآمد سخن ۲۲۵
- ۲- نظریه اسطوره‌شناختی نور تروپ فرای ۲۲۷
- ۱-۲- میتوس و دایانویای اسطوره ۲۲۷
- ۲-۲- دایانویا و مؤلفه‌های سازمان‌دهنده آن ۲۳۰
- ۲-۳- دایانویا و اصل تبدل یا جابه‌جایی ۲۳۴



- ۲۳۸..... ۴-۲- اسطوره به مثابه خاستگاه و غایت انواع ادبی
- ۲۴۱..... ۵-۲- عنصر مسلط یا ایده سازمان‌دهنده
- ۲۴۳..... ۲-۵-۱- قیاس عصمت و ایده سازمان‌دهنده آن
- ۲۴۴..... ۲-۵-۲- قیاس تجربه و ایده سازمان‌دهنده آن
- ۲۴۶..... ۲-۵-۳- قیاس خرد و ایده سازمان‌دهنده آن
- ۲۴۷..... ۶-۲- ماتریس دو بُعدی دایانویا
- ۲۴۸..... ۲-۶-۱- محور نخست: تصاویر آرکی تایپی
- ۲۴۹..... ۲-۶-۲- محور دوم: زنجیره بزرگ نظام هستی
- ۲۵۳..... ۳- فرجام سخن
- ۲۵۴..... مطالعه بیشتر
- جستار هشتم - جایگاه اسطوره در نظریه مردم‌شناختی جورج جیمز فریزر**
- ۲۵۷.....
- ۲۵۹..... **نگاهی اجمالی**
- ۲۶۱..... ۱- درآمد سخن
- ۲۶۶..... ۲- جایگاه اسطوره در نظریه مردم‌شناختی فریزر
- ۲۶۷..... ۲-۱-۱- اسطوره به مثابه تبیین نظری آیین
- ۲۶۹..... ۲-۱-۱-۱- صورت‌بندی معرفت‌شناختی مرحله جادو
- ۲۷۱..... ۲-۱-۲- غیاب عنصر سوژکتیو در مرحله جادو
- ۲۷۲..... ۲-۱-۳- وجه ایجابی و سلبی جادو
- ۲۷۴..... ۲-۱-۴- ظهور اسطوره در مرتبه بینابینی نخست
- ۲۷۶..... ۲-۱-۵- ظهور اسطوره در مرتبه بینابینی دوم
- ۲۷۹..... ۳- نقد و نظر
- ۲۸۴..... ۴- فرجام سخن
- ۲۸۵..... مطالعه بیشتر
- جستار نهم کاسیرر و تبیین توابع نشانه‌شناختی اسطوره و دیگر صورت‌های فرهنگی**
- ۲۸۷.....
- ۲۸۹..... **نگاه اجمالی**
- ۲۹۱..... ۱- درآمد سخن
- ۲۹۳..... ۲- چارچوب نظری اندیشه کاسیرر



۲۹۳.....	۱-۲- قول به تعدد سطوح شناخت
۲۹۸.....	۲-۲- سطوح شناخت و التزامات نشانه‌شناختی آن
۳۰۲.....	۲-۳- فراشد تکامل صورت‌های فرهنگی
۳۰۴.....	۱-۲-۳- وضعیت تابع نشانه‌شناختی در مرحله نخست
۳۰۹.....	۲-۲-۳- وضعیت تابع نشانه‌شناختی در مرحله دوم
۳۱۳.....	۳-۲-۳- وضعیت تابع نشانه‌شناختی در مرحله سوم
۳۱۷.....	نتیجه‌گیری
۳۱۹.....	مطالعه بیشتر
۳۲۱.....	منابع و مآخذ
۳۲۱.....	منابع فارسی
۳۳۸.....	منابع لاتین

پیش‌گفتار

اسطوره‌ها از زمان‌های بسیار دور در حیات فرهنگی انسان حی‌وحاضر بوده‌اند. به همین جهت، اندیشمندان در حوزه‌های مختلف علوم انسانی، از روان‌شناسی و مردم‌شناسی گرفته تا دین پژوهی و فلسفه، هر کدام به نوعی با اسطوره و اهمیت آن سروکار داشته‌اند و به این ترتیب پژوهش‌های قابل‌توجهی در باب نقش اسطوره در حیات فرهنگی انسان، منطق و ساختار درونی اسطوره، پیوند اسطوره با دین ادبیات و زبان، و نیز ارتباط اسطوره با روان ناخودآگاه فردی و جمعی صورت گرفته است. در کشور ما نیز به یمن ترجمه و تألیف‌های گران‌سنگی که در طول سال‌های اخیر در این حوزه چاپ و منتشر شده است و علاقمندان به این زمینه بیش‌وکم با نام اسطوره‌پژوهان و نیز

دغدغه‌های خاص آنان آشنایی دارند، اما از آن جایی که قرائت انتقادی آرای این اندیشمندان همواره ضرورتی فرهنگی محسوب می‌شود در پژوهش حاضر نه جستار مستقل به این مهم پرداخته است. بدیهی است خواننده این جستارها لازم است با چهارچوب کلی اندیشه این متفکران آگاهی نسبی داشته باشد؛ چرا که اهتمام نگارنده در این پژوهش‌ها اساساً متوجه آن است که ضمن ارایه زمینه‌های نظری و خاستگاه اندیشه‌های این متفکران، به خوانش انتقادی آرای آنان پردازد.

به این ترتیب، **جستار نخست** می‌کوشد ضمن بررسی خاستگاه‌های نظری اندیشه استروس استدلال‌های وی را در این باره بررسی کند. در این راستا نگارنده با اتخاذ رویکردی انتقادی ضمن تأکید بر مفروضات نظری استروس و روش‌شناسی وی کوشیده است ادعاهای وی را در باب منطق اسطوره، مقولات بنیادی و نحوه سامان‌دهی مؤلفه‌های آن واکاوی کند و برخی تسامح‌های نظری وی را افشاء کند. در پایان روشن می‌شود آنچه استروس درباره مقولات مطرح می‌کند اگرچه از نظریه واج‌شناختی متأثر است، الزاماً بدان پای‌بند نمانده است.

جستار دوم با این هدف شکل گرفته است ضمن بررسی خاستگاه‌های نظری اندیشه الیاده استدلال‌های وی را در این باره بررسی و تحلیل کند. در این بررسی نگارنده با تأکید بر مفروضات نظری الیاده و روش‌شناسی پدیدارشناختی وی، دیدگاه او را نسبت به اسطوره محل تأمل می‌داند و معتقد است آنچه الیاده به مثابه ساختار وجودی بشر مطرح می‌کند اساساً برساخته‌ای فرهنگی است. هم‌چنین به نظر می‌رسد التزام الیاده به روش پدیدارشناختی ابتر و ناقص است.

جستار سوم بر آن است تا ضمن بررسی خاستگاه‌های نظری اندیشه اسپربر، استدلال‌های وی را در این باره بررسی و تحلیل کند. در این بررسی مشخص می‌شود که گزاره‌های نمادین به مثابه یک امر ذهنی فاقد



عقلانیت نیستند؛ هم‌چنین آشکار می‌شود که اسپربر، بر خلاف سنت رایجی که سازوکار نماد را در چارچوب نشانه‌شناختی تحلیل می‌کند، نمادگرایی را حوزه‌ای خودبسنده و مستقل می‌داند که سازوکار شناختی ویژه خود را داراست. در پایان این بررسی، نگارنده با نقد و نظری مختصر می‌کوشد این نکته را پیش روی نهد که قواعد پیش‌نهادی اسپربر در باب نحوه عمل‌کرد گزاره‌های نمادین، چنان‌که وی مدعی است، جهان‌شمول یا عام نیست و اساساً به تجارب زیستی فرد و دانش ضمنی وی محدود است.

در جستار چهارم به آرای دوزیل پرداخته می‌شود. این جستار حاصل نگاه پژوهشگر در سال‌های جوانی است و در بازخوانی دوباره به نظر نگارنده رسید که نگارشی جامع‌تر از آن فراهم کند؛ امید است که زمان مجای فراهم کن تا این امر محقق شود. به هر ترتیب، دو مزیل معتقد است ساختار سه‌گانی حاکم بر اندیشه جوامع هند و اروپایی در واقع بازتاب انتزاعی طبقات سه‌گانه یک چنین جوامعی است. شواهد و استنادات بی‌شماری که برای تأیید این مطلب می‌آورد نشان از دامنه وسیع تحقیقی وی داد؛ اما آنچه موجب تحریر این جستار شده است همانا بررسی و تبیین لوازم معرفت‌شناختی الگوی دومزیل است. تبیین نظری دومزیل از کاستی‌هایی برخوردار است که در این پژوهش کوشیده شد ضمن اشاره به این کاستی‌ها در رفع آنها کوشید.

در جستار پنجم کوشیده شده است ضمن معرفی رنه ژرار، خاستگاه‌های نظری اندیشه ژرار و استدلال‌های او را در این باره بررسی و تحلیل کند. در این بررسی نگارنده با تأکید بر جایگاه نظری ژرار مبنی بر قول به عدم اصالت آگاهی، موضع ضددکارتی او را نسبت به سوژه محل تأمل می‌داند و معتقد است آنچه ژرار به مثابه ساختار بنیادی فرهنگ مطرح می‌کند، از نوعی ناخودآگاهی کور و لجام‌گسیخته پیروی

می‌کند که مبتنی بر نفی جایگاه خودآگاه و خودکاربودگی میل است. **جستار ششم** در واقع درآمدی است بر شناخت جایگاه اسطوره در اندیشه نورتروپ فرای. بر این اساس نخست به رده‌بندی سمبول نزد وی پرداخته شده است تا بتوان با اتکاء بدان مفهوم و نقش اسطوره را نزد فرای بهتر درک کرد. بنابراین، این جستار ضمن بازطرح مبانی نظری فرای در باب رده‌بندی سمبول‌ها می‌کوشد منابعی را که وی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از آن‌ها متأثر است، آشکار کند. در همین راستا این پژوهش نه فقط اهمیت واحد ساختاری متمایزی به‌نام سمبول را در سطوح چندگانه ادبی متذکر می‌شود، بلکه می‌کوشد اشکال و صور ظهور سمبول را در این سطوح بررسی کند.

بعد از این پژوهش است که در **جستار هفتم** با استخدام روش توصیفی-تحلیلی مبانی نظری فرای را در این باره نقد و بررسی می‌کنیم و ضمن توجه به خاستگاه‌های نظری وی، سازوکار درونی دایانویا را تحلیل می‌کنیم. در این بررسی مشخص می‌شود که دایانویای اسطوره با وجوه هیروگلیفی، هیراتیکی و دموتیکی بیان متلازم است و گذار اسطوره به سوی رمانس، حماسه و نهایتاً تاریخ به واسطه عملکرد اصل جابه‌جایی ممکن می‌شود. در این گذار، اسطوره نامتبدل در نهایت به وجه واقع‌گرای ناتوراالیستی روی می‌آورد و اسطوره اگرچه پوشیده و نهفته می‌ماند، اما هرگز از میان نمی‌رود. بنابراین، به زعم فرای حتی آثاری که اساساً با رویکرد تاریخی نگاشته شده‌اند این قابلیت را دارند که از طریق قرائت اسطوره‌شناختی تجزیه و تحلیل شوند.

در **جستار هشتم** ضمن بازاندیشی در روش‌شناسی فریزر و نیز اصول موضوعه‌ای که وی بدان‌ها پایبند است جایگاه اسطوره را در نظام مردم‌شناسی فریزر روشن کند. نگارنده بر آن است که موضع دوگانه فریزر در باب جایگاه اسطوره به‌هیچ‌روی از پراکندگی آرای وی ناشی

نمی‌شود، بلکه تأملات عالمانه فریزر در باب مراتب بینایی که امکان گذار از صورتی به صورت دیگر را فراهم می‌آورند این امکان را به او داده است تا تحلیلی درخور در باب جایگاه اسطوره و ارتباط آن با آیین به دست دهد. در پایان این پژوهش روشن می‌شود فریزر ظهور اسطوره را در مرتبه بینایی نخست متأخر از آیین می‌داند، اما در مرتبه بینایی دوم اسطوره را متقدم بر آیین می‌داند. به همین سبب، پژوهش در راستای تبیین چگونگی استدلال‌های فریزر ضمن بررسی دیدگاه‌های روش‌شناختی و معرفت‌شناختی او می‌کوشد نقد و نظری هرچند مختصر پیش نهد.

در **جستار پایانی** ضمن بررسی خاستگاه‌های نظری اندیشه کاسیرر استدلال‌های وی را در این‌باره بررسی کند. در این راستا با تأکید بر مفروضات نظری کاسیرر و روش‌شناسی وی، کوشیده شده است ادعاهای کاسیرر در باب اسطوره و سایر صورت‌های سمبلیک واکاوی شود. در پایان روشن می‌شود آنچه کاسیرر درباره صورت‌های آگاهی مطرح می‌کند اساساً از دیدگاه نشانه‌شناختی وی متأثر است. بررسی وضعیت توابع نشانه‌شناختی هر یک از این صورت‌ها نشان می‌دهد که کاسیرر به سه تابع نشانه‌شناختی مستقل قائل است که بر اساس وجوه سه‌گانه بیانگری، بازنمایی و دلالت‌گری عمل می‌کنند؛ وجوهی که به ترتیب با اسطوره، زبان و علم هم‌خوان است نگارنده در نهایت امیدوار است با تدقیق و تأمل در این جستارها راهی به فهم بهتر اسطوره گشوده باشد.

جستار اول

مرور انتقادی دیدگاه اسطوره‌شناختی

لوی-استروس

نگاه اجمالی

کلود لوی-استروس (۱۹۰۸-۲۰۰۹) ضمن کاربست الگوی زبان‌شناختی ساختارگرا در خوانش پدیدارهای فرهنگی مانند توتم، تابو و اسطوره نظریه ساختارگرایی را بسط و توسعه می‌دهد. او که سودای پی‌بردن به منطق درونی اسطوره‌ها را در سر دارد با تصریح به اینکه در پس هر یاوه‌ای ساختاری نهفته است مساعی خود را مصروف شناسایی ساختار بنیادینی می‌کند که به مثابه یک ساختار ژرف، صورت‌های متنوع فرهنگی را سروسامان می‌بخشد. استروس با الهام از آرای سوسور و نیز تأسی از دیدگاه‌های یاکوبسن و بنابراین اتخاذ رویکرد تقلیل‌گرایانه می‌کوشد بنیاد واحدی را که در پس پشت پدیدارهای به ظاهر گوناگون فرهنگی قرار دارد شناسایی کند. به این ترتیب، استروس تقابل طبیعت/فرهنگ را به عنوان مقوله‌ای بنیادی پیشنهاد می‌کند که ذهن بشر به

واسطه آن جهان را به فهم در می آورد و بدان شکل می بخشد. به موجب همین تلقی و در پی پاسخ به این پرسش که اسطوره ها چگونه در انسان می اندیشند استروس اسطوره را بازتاب ساختار ناخودآگاه ذهن به شمار می آورد. بر این اساس، جستار پیش رو می کوشد ضمن بررسی خاستگاه های نظری اندیشه استروس استدلال های وی را در این باره بررسی کند. در این راستا نگارنده با اتخاذ رویکردی انتقادی ضمن تأکید بر مفروضات نظری استروس و روش شناسی وی کوشیده است ادعاهای وی را در باب منطق اسطوره، مقولات بنیادی و نحوه سامان دهی مؤلفه های آن واکاوی کند و برخی تسامح های نظری وی را افشاء کند. در پایان روشن می شود آنچه استروس درباره مقولات مطرح می کند اگرچه از نظریه واج شناختی متأثر است، الزاماً بدان پای بند نمانده است.